

Oakeshott, Michael Joseph

مایکل اوکشات (۱۹۹۱) فیلسوف بریتانیایی، نظریه‌پرداز سیاسی و مورخ اندیشه‌ها بود. او دو مقاله بلند و نقدهای متعددی از جمله ویرایش تأثیرگذاری از کتاب لویاتان<sup>۱</sup> تامس هابز<sup>۲</sup> نوشت. اما شاید دلیل بیشتر شهرت او مقالات درخشان و وزین او درباره فرهنگ و رفتار، تاریخ و سیاست، و تجربه و تعلیم و تربیت باشد. اوکشات که با جریان‌های فلسفی، سیاسی و تربیتی روزگار خود همگام نبود، مکتبی را پایه‌گذاری نکرد. باوجود این، دفاعیات فصیح او از قضاوت عملی و یادگیری آزادی‌خواهی در عصر فن‌سالاری و ابزارمداری، او را به یکی از مهم‌ترین متفکران قرن بیستم میلادی بدل کرد. پیش از بحث درباره تعلیم و تربیت، لازم است تا اجمالی از موضوعات اصلی آثار او مورد بررسی قرار گیرد.

زندگی و آثار

به نظر می‌رسد که اشتیاق اوکشات به اندیشه‌ها از همان اوایل در ذهن او جرقه زده باشد. او در کودکی آثار میشل دومونتنی<sup>۳</sup> را نزد پدرش خواند. گمان می‌رود که در دوران تحصیل در مدرسه پیش‌رو و مختلط سنت جورج<sup>۴</sup> به سخنرانی‌های فی‌البداهه سسیل گرنت<sup>۵</sup> مدیر عجیب و غریب مدرسه درباره کانت<sup>۶</sup> و ویلهلم فریدریش هگل<sup>۷</sup> را شنیده

باشد. او سپس در کمبریج ادامه تحصیل داد و به مطالعه تاریخ پرداخت و به سخنرانی‌های جی.ام.ای. مک‌تاگارت<sup>۸</sup> آرمان‌گرا با نام «درآمدی به فلسفه»<sup>۹</sup> گوش سپرد. سپس اوکشات مدت زمانی را در اروپا صرف مطالعه الهیات و در دبیرستانی به تدریس زبان انگلیسی پرداخت و آنگاه برای اخذ درجه دکتری و تدریس تاریخ اندیشه‌های سیاسی به دانشگاه کمبریج بازگشت. پس از این دوران در کمبریج با وقفه‌ای که به‌علت آن خدمت در مقام فرمانده گردان هوایی در جنگ جهانی دوم بود، ابتدا در آکسفورد و سپس در دانشکده اقتصاد لندن به مقام استادی رسید و تا زمان بازنشستگی در ۱۹۶۸ م در آنجا به تدریس اشتغال داشت. اوکشات با کتاب تجربه و وجوه آن<sup>۱۰</sup> (۱۹۸۵/۱۹۳۳) در عرصه فلسفه ظاهر شد. این اثر مطالعه‌ای (به سبک آنگلوهگلی<sup>۱۱</sup> اف.اچ.بردلی<sup>۱۲</sup> و برنارد بوزانکت<sup>۱۳</sup>) درباره بازتاب تجربه انباشته ازمنظر تاریخ، علم و عمل است. اوکشات در سراسر دهه‌های ۱۹۴۰، ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ م مهارتش در نوشتن گونه‌ای از مقاله حاوی تأملات مشروط با این‌حال اصیل نشان داد که بسیاری از آنها بعدها در آثار مهمی همچون خردگرایی در سیاست<sup>۱۴</sup> (۱۹۶۲)، اندیشه هابز در باب اجتماع مدنی<sup>۱۵</sup> (۱۹۷۵)، درباب تاریخ<sup>۱۶</sup> (۱۹۸۳)، و آوای یادگیری لیبرال<sup>۱۷</sup> (۱۹۸۹) گردآوری شد. او در اواخر عمر به دومین پژوهش نظام‌مندش با نام درباب

۸ J. M. E. McTaggart

۹ Introduction to Philosophy

۱۰ Experience and Its Modes

۱۱ Anglo-Hegelian style

۱۲ F. H. Bradley

۱۳ Bernard Bosanquet

۱۴ Rationalism in Politics

۱۵ Hobbes on Civil Association

۱۶ On History

۱۷ The Voice of Liberal Learning

۱ Leviathan

۲ Thomas Hobbes

۳ Michel de Montaigne

۴ George's School

۵ Cecil Grant

۶ Kant

۷ Georg Wilhelm Friedrich

رفتار آدمی (۱۹۷۵/۱۹۳۳) پرداخت که در پی بیان ارزش‌های ضمنی زندگی مدنی امروزی یعنی هنجارهای مجسم در اعمالی است که می‌توان با آنها حافظ فضای لازم برای شکوفایی افراد بود.

### اوکشات در مقام نظریه پرداز

اوکشات، در دسته بندی تفکراتش به لحاظ دشواری زبان زد است. او را نظریه پرداز آزادی خواه و نظریه پرداز ضد آزادی خواهی خوانده اند. ناخشنودی او از خردگرایی و ویژگی اصلاح گرایی نوگرایی آزادی خواهانه منجر شد که برخی او را نخبه سالاری مرتجع<sup>۱</sup> در نظر می گیرند. شناخت شناسی ضد بنیادگرایانه و انسان شناسی فلسفی ضد ماهیت گرای او باعث شده است تا برخی او را متفکری پسانوگرایی بدانند. از نظر سیاسی نیز محافظه کاران (مارگارت تاچر<sup>۲</sup> نام شوالیه را به او پیشنهاد داد که نپذیرفت)، پیشرفت گرایان (ریچارد رورتی)<sup>۳</sup> و حتی تندروها (شان تال موفی)<sup>۴</sup> او را از خود خوانده اند.

اگرچه، اغلب اوکشات را سنت گرای پیرو برکن<sup>۵</sup> خوانده اند، خوانده اند، اما مناسب تر آن است که او را در زمره گروه ناهمگونی از متفکران قرن بیستمی مانند هانا آرنست<sup>۶</sup>، جان دیویی<sup>۷</sup>، هانس گئورگ گادامر<sup>۸</sup> و السادیر مکایتایر<sup>۹</sup> قرار دهند. این اندیشمندان با الهام از هگل و ارسطو به دنبال

جایگزینی برای تضادهای مهم امروزی میان آزادی و بندگی، خرد و سنت بودند. بنابراین، درحالی که اوکشات مخالف آزادی خواهی اتم گرا بود، هیچ گونه حس نوستالژی نسبت به universitas نداشت، اصطلاحی که او برای وحدت جامعه برای رسیدن به هدفی خاص برگزیده بود. الگویی دیگر از پیوستگی، الهام بخش اوکشات بود. اعضای هم سرنوشت یک societas تنها با حس مدنیت و صداقت با یکدیگر پیوند می یابند که این امر از راه «محواره»<sup>۱۰</sup> و یکپارچه کردن طرح های گوناگون و پل بستن میان آنها رشد و توسعه پیدا خواهد کرد.

### نقادی خردگرایی، فن گرایی و سنت شکنی

همچنین، اوکشات دوگانگی میان خرد روشمند و سنت بی بصیرت را رد کرد. او با این که ضد خردگرا نیست، اما نسبت به آنچه که آن را خردگرایی<sup>۱۱</sup> نامید، بی اعتماد بود که مشخصه آن ابزارگرایی<sup>۱۲</sup> (تقلیل اهداف آدمی به حل مسئله) فن گرایی<sup>۱۳</sup> (تقلیل قضاوت عملی به دانش فنی) و سنت شکنی (میل به جایگزین کردن نهادهای محلی که به تدریج با نهادهای جدیدی شکل گرفته اند که مطابق با اصول کلی و عقلانی) است.

می توان، در مجموع آثار اوکشات را تلاشی برای پاسخ گویی به سه پیش داوری امروزی دانست. در نگاه او، درک نادرست خردگرا در این است که نهادها را همچون ابزاری صرف در نظر می گیرد و لذا قادر به درک این نکته نیست که آنها را بسان تجسم گونه ای از ارزش های غیرابزارگرایانه لحاظ کند که زندگی را واجد ارزش زیستن می کنند. حتی اگر ما این

۱۰. conversation

۱۱. rationalism

۱۲. instrumentalism

۱۳. technicism

۱. belated aristocrat

۲. Margaret Thatcher

۳. Richard Rorty

۴. Chantal Mouffe

۵. Burkean

۶. Hannah Arendt

۷. John Dewey

۸. Hans-Georg Gadamer

۹. Alasdair MacIntyre

کیتس)<sup>۲</sup> است که اجازه می‌دهد شخص تغییرات اساسی در چشم‌اندازها را تحمل کند. این تواضع شناختی در غنای محاوره‌ای به ما کمک می‌کند تا سهم منحصر به فرد هر آوایی را بدون برقرار کردن نسبت میان آنها به گونه‌ای درک کنیم که گویی آنها از جهان‌های متفاوت غیرقابل قیاسی سخن می‌گویند.

به ادعای اوکشات به سبب تسلط صدای ابزارگرایی، در قرون اخیر گفتگو از رونق افتاده است. در یک نشست سیاسی یا حسابرسی که در آن همه باید جهان را بر حسب کمیات در نظر گیرند و بر حسب حل مسئله بیاندیشند و زندگی را بر حسب ارضاء خواست‌ها و سیاست‌ها را به منزله توزیع منابع و مواردی از این دست لحاظ کنند، محاوره به سرعت از میان می‌رود.

### نگرش اوکشات در باب تعلیم و تربیت

ابزارگرایی و فن‌گرایی شتابان ما در تعلیم و تربیت آشکارتر از هر جای دیگری خود را به نمایش گذاشته است و همین جاست که اوکشات نگرش پیشنهادی خود را به نحو صریحی بیان می‌کند. به عقیده اوکشات، تعلیم و تربیت فرایند تحقق کامل انسانیت ما از راه غوطه‌ور شدن درون «گفتگوی انسان‌ها»<sup>۳</sup> است که کشمکش هزاران‌ساله بر سر درک جهان و شرایط آدمی دارد. دانش‌آموزان را به درون این گفتگو دعوت کنید، تعلیم و تربیت آزادی‌خواهانه می‌بایست در برابر عملی و مد روز بودن مقاومت کند. چنین نطق استاد مآبانه‌ای موجب شده است تا خوانندگان بی‌دقت، خواندن آثار اوکشات را به منزله نویسنده مدافع «شاهکارهای ادبی»<sup>۴</sup> یا

تقلیل ابزاری اعمال اجتماعی را بپذیریم، سنت‌شکنی امری خطرناک است. به عقیده اوکشات، بهتر آن است ما به تدریج اندیشه‌های معقولی که (اگرچه آشفته و ناقص) بنیان یافته‌اند را در نهادهای موجود، اصلاح کنیم تا اینکه ایدئولوژی‌های عظیمی را به وجود آوریم تا با آن اصلاحی اساسی را صورت دهیم.

همچنین، اوکشات پیش‌داوری اساسی فن‌گرایی را به چالش می‌کشد که بر اساس آن الف) اگر ما چیزی را بدانیم در این صورت باید به صورت ارادی و صریح آن را بیاموزیم به گونه‌ای که ب) دانش باید چیزی تدوین‌پذیر باشد؛ و ج) برتری در عمل بر پایه فرمان اصول و فنون قابل انتقال باشد. اوکشات معتقد بود که ارزشمندترین اشکال دانش به ندرت محصول آموزش صریح هستند. موفقیت در عمل بیشتر بستگی به گرایشاتی دارد که به شکل غیرمستقیم یاد گرفته شده‌اند. کارورزان با تجربه به واسطه بینش، قضاوت و توانایی در برقراری ارتباط میان قواعد کلی با موارد خاص از دیگران متمایز می‌شوند و می‌توانند دریابند که چگونه این قواعد باید تعبیر، اصلاح و تکمیل شوند.

بنابراین خردگرا، نظریه و عمل هر دو را اشتباه دریافته است و با نظریه به مانند ابزار رفتار می‌کند و عمل را به مانند نظریه کاربردی در نظر می‌گیرد. باین حال، دفاع اوکشات از دانستن ضمنی و قضاوت عملی حاکی از نوعی سودانگاری ضد عقلانی است. در نزد اوکشات، عملی بودن یک «آوا»<sup>۱</sup> در محاوره‌ای وسیع‌تر میان حالات رقیب تخیل یا شیوه‌های معنابخشیدن به جهان از قبیل تاریخ، فلسفه، شعر و علم بود. شخص در طلب تجربه‌ای غنی‌تر، امیدوار به کسب فصاحت در یک (یا چند) آوا و نوع خاصی از قابلیت سلبی (جان

۲. John Keats

۳. the conversation of man

۴. Great Books

۱. voice

انجام آن است. نخستین شکل تعلیم و تربیت غیررسمی نیازی برای دو نوع متفاوت و یا حتی بیشتر از تعلیم و تربیت رسمی به وجود می‌آورد. از یک سو ما نیازمند آن چیزی هستیم که اوکشات آن را تعلیم و تربیت ابزار می‌نامد که در آن ما می‌آموزیم چگونه آنچه را که (به وقوع پیوسته) می‌خواهیم به دست بیاوریم. از سوی دیگر ما نیازمند یادگیری آزادی خواهانه هستیم، که اوکشات آن را به منزله فضایی تعریف می‌کند که در آن می‌توان با مسئله‌ای که بیشتر حاصل تعلیم و تربیت ابزار است، دست و پنجه نرم کرد، اینکه چه چیز ارزش خواستن دارد؟

در رشته‌های دانشگاهی، متون و آثار و تحقیقات مشخص ما به گفتگوی گسترده‌تر درباره اهداف و وسایل زندگی آدمی فراخوانده می‌شویم. از نظر اوکشات انسان‌ها موجودات عجیبی هستند. ما نمی‌توانیم به غیر از بیان روایت‌هایی درباره ماهیت، به شرایط و امکانات خود کمکی کنیم و در این صورت است که خودمان را با زیستن درون این داستان‌ها می‌یابیم. خبرهای خوب و بد برای ما این است که برای گزینش اینکه چگونه روایت‌های متضاد درباره خودمان را به گفتگو با یکدیگر بکشانیم و اینکه چگونه هر روایت را معنا ببخشیم و آزادی جدایی‌ناپذیر داشته باشیم. (اوکشات در اینجا پیوند نزدیکی با گونه‌ای از ساختارگرایی دارد) هریکاز ما با یادگیری آزادی خواهانه، شانس مواجهه با «آزمون سخت آگاهی»<sup>۴</sup> یعنی چالش شخصیت فردی را دارد. اما ما «مخاطره خودشناسی»<sup>۵</sup> را با دیگران، گذشته و حال و تحت راهنمایی آموزگار هدایت می‌کنیم.

این روایت‌ها، و نحوه دوام آوردنشان است، که فرهنگ انسانی ما را شکل می‌بخشد و با یادگیری آزادی خواهانه به

«سواد فرهنگی»<sup>۱</sup> وقت تلف کردن بدانند. اگرچه در اصل نظریه تعلیم و تربیت اوکشات کمتر مورد توجه واکنش معمول محافظه‌کاری به تعلیم و تربیت پیشرفت‌گرا و همسانی تدابیر آنها قرار گرفت. اوکشات به شدت با فرمالیسم و رشدگرایی نهضت کودک‌محوری مشکل داشت و عقیده او بر این بود که کسی نمی‌تواند «مهارت‌های اندیشیدن»<sup>۲</sup> یا «مهارت‌های زندگی»<sup>۳</sup> را به کسی بیاموزد، مگر از راه درگیر شدن مشخص و حقیقی با رویداد تاریخی، زبان، متن، و اثر هنری مشخص. همچنین، او دریافت که طرف‌داران پیشرفت‌گرایی روایتی محدود از سعادت و خلاقیت را برگرفته‌اند که روایتی فاقد آزادی و نظر شخصی است. (لازم به ذکر است که خود دیوئی به خاطر کم‌ارزش شمردن برنامه‌درسی به بهانه بچگی کردن راه خود را از پیشرفت‌گرایی جدا کرد.) اما اوکشات حتی از آن روی دیگر سکه تربیتی قرن بیستم میلادی یعنی معادل انگاشتن تعلیم و تربیت با اجتماعی شدن نگران‌تر بود. کسی درباره نگرش چندفرهنگی یا محافظه‌کاری اوکشات درباره تعلیم و تربیت اشتباه نمی‌کند اما نظریه تعلیم و تربیت او در واقع تحت تأثیر کثرت‌گرایی اخلاقی و بینشی قرار دارد که یادگیری را کنش و معنا ساز می‌داند.

به همین سبب است که ما باید تمایز کلیدی اوکشات میان یادگیری ابزاری و آزادی خواهی را دنبال کنیم. مطابق عقیده اوکشات، تعلیم و تربیت نخستین ما تربیت امیال است. مخلوقات زماندار و مکان‌دار، ناآگاهانه تحت تأثیر طایفه‌ها، کیش‌ها و انجمن‌های محلی یا تصورات شکل‌گرفته به‌واسطه مفروضات عمیق درباره آنچه که شخص باید انجام دهد و درباره آنچه که می‌خواهد و آنچه قرار دارد در تلاش برای

۱. Cultural literacy

۲. thinking skills

۳. life skills

۴. Ordeal of consciousness

۵. adventure in selfunderstanding

در آن ثروتمندان امتیازات خود را داشته باشند که در اینجا بار دیگر اوکشات مورد آماج اتهام نوستالژی ارتجاعی قرار می‌گیرد. اما دغدغه اوکشات نه انزوای واقعی، بلکه جدایی از مطالبات سودجویانه اینجا و اکنون است. آموزگار باید برای کنار گذاشتن چنین پرسشی که چگونه این امر در نیل به آنچه از پیش خواستارش بوده‌ام یاری می‌رساند؟ به دانش‌آموزان کمک کند، به نحوی که آنها بتوانند پرسش‌هایی عمیق‌تر و چالش برانگیزتری از این دست مطرح کنند که آیا من همانم که به واقع هستم؟ چه منابع دیگری وجود دارد که می‌تواند به من برای درک بهتر شرایط و طراحی مسیر زندگی کمک کند؟ علاوه‌بر هموار کردن فضا برای این مواجهه، آموزگار الگوهای برای تحقیق روشن‌فکرانه و اساسی برای درک خویشتن طرح می‌کند.

بنابراین اوکشات نه فنونی برای اداره کردن کلاس‌ها، بلکه زبانی برای دفاع از آنها به ما پیشنهاد می‌کند. از نگاه او نه خواندن فهرست حضور و غیاب بلکه انگیزه اینکه چرا این خواندن می‌تواند برای جوان‌هایی که در تلاش برای ترسیم برنامه تحصیلی خود هستند، اهمیت دارد. او فرمول و فنونی برای برنامه‌ریزی درسی به ما پیشنهاد نمی‌دهد بلکه با ژرف‌نگری مختصری برای درک اهمیت شخصیت و قضاوت آموزگار عرضه می‌دهد. او بینشی از تعلیم و تربیت را عرضه می‌کند که نسبت به یکپارچگی خود متعهد است و با آن دسته از کسانی که آن را تحت امور اقتصادی، سیاسی، یا درمانی می‌گنجانند سازش ندارد و تعلیم و تربیت مدنظر او به‌طور عمیقی در پیچ‌وتاب و وظیفه واقعی زیستن زندگی آدمی حضور دارد.

نویسنده: کریس هگینز و کاترین کی جو

مترجم: محسن بهلولی فسخودی

Philips, D.C. (۲۰۱۴) "Oakeshott", Chris Higgins and Katherine K. Jo. Encyclopedia of Educational Theory and Philosophy, London: Sage Publication.

این کار مبادرت می‌ورزیم. بنابراین از نگاه اوکشات، فرهنگ مجموعه‌ای از واقعیت‌های راکدی نیست که به ارث رسیده است بلکه حاصل گفتگویی است که در آن شرکت جسته‌ایم. این عرصه‌ای از معانی مشاجرہ‌برانگیز است و یادگیری آزادی‌خواهانه مستلزم آن است که هر دانش‌آموزی خود از آن تفاسیر برداشت شخصی کند و مسئولیت آن را برعهده گیرد. ارزش یادگیری آزادی‌خواهانه نه به منزله منبع هدایت یکسان بلکه به درستی برای پویایی آن است، همچون فضایی برای مواجهه با نقشه‌های چندپاره به جامانده از مسافرانی که با پیروی از آن راه خود را گم کرده‌اند به گونه‌ای که امکان پیمودن دوباره مسیری که نیمه طی شده است الهام‌بخش آنها خواهیم بود، سفرهای ناتمام از آن گونه که برای خودمان طراحی می‌کنیم. آموزه اوکشات نه تقدم شیوه‌ای از زندگی، بلکه بیان این است که هیچ آرمان ابدی وجود ندارد که بتوان آن را همچون الگویی برای گریز از آزمون دشوار آگاهی به کار بست. (اینجا همان جایی است که ما نگاه ضدماهیت‌گرایانه اوکشات و کثرت‌گرایی اخلاقی او را ملاحظه می‌کنیم).

این وظیفه وجودی در نهایت مسئولیت شخص یادگیرنده است اما آموزگار نقشی حیاتی برعهده دارد. اگرچه یادگیری آزادی‌خواهانه از نیاز عمیق آدمی به تفسیر خودمان سخن می‌گوید، اما این نوعی فعالیت شکننده است که می‌باید به دقت محافظت شود و سنجیده ادامه پیدا کند. یادگیری آزادی‌خواهانه مستلزم فضایی است تا از فشار عملی بودن، ابتدال روزمره و کوتاه‌نظری محلی و نوین بودن در امان بماند. برای آنکه صدا زیرکانه‌تر شنیده شود، لازم است تا دانش‌آموزان از سردرگمی بی‌وقفه وقایع بی‌اهمیت و علائق زودگذر، احساسات پوچ و مطالب پیش‌پافتاده بی‌محتوا مراقبت شوند. این امر اوکشات را به بیان این سخن واداشت که مدارس و دانشگاه‌ها باید فضایی محافظت‌شده باشند. اوکشات در اینجا با عرضه تصویری از پردیسی سرسبز که